

دومین همایش ملی افق های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری عمران، گردشگری و محیط زیست شهری و روستایی

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴



بررسی سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس شاخص های صنعتی با استفاده از تکنیک تاپسیس (۹۰ - ۱۳۸۵)

علی اکبر تقی لو^۱، فاطمه فرجی بالاروشتی^{۲*}

پست الکترونیکی: a.taghilo@gmail.com

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه

پست الکترونیکی: mh.faraji@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه ارومیه

چکیده

برای سنجش و سطح بندی توسعه یافتگی مناطق، شاخص های بسیاری وجود دارد. هر یک از این شاخص ها دارای ارزش و اهمیت خاصی می باشند که با توجه به نوع هدف و روش مطالعه مورد استفاده قرار می گیرند. پژوهش حاضر با استفاده از ۴۲ شاخص مربوط به بخش صنعت به دنبال سنجش سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان آذربایجان شرقی و تعیین سطوح برخورداری آن ها می باشد. که ابتدا با استفاده از مدل تاپسیس به رتبه بندی این شهرستان ها و سپس بررسی و تعیین میزان نابرابری های آن از طریق ضریب تغییرات (CV) استفاده کرده است. جامعه آماری تحقیق شهرستان های استان آذربایجان شرقی از سالهای بین ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بوده و روش تحقیق به صورت « توصیفی- تحلیلی » است. و داده های تحقیق به روش کتابخانه ای و مراجعه حضوری به ادارات جمع آوری شده است. نتایج بدست آمده از بررسی حاضر، نشان می دهد که در شاخص های صنعتی در سال ۱۳۸۵ شهرستان تبریز با (CL_i) ۰,۷۹ در رتبه اول و به عنوان شهرستان توسعه یافته و شهرستان چاراویماق و ورزقان با (CL_i) ۰ در رتبه آخر قرار داشته اند و از نظر توسعه محروم می باشند. و این روند در سال های ۸۶، ۸۷، ۸۸ و ۱۳۸۹ همچنان تکرار شده که توسعه یافته ترین شهرستان استان را تبریز به خود اختصاص داده و ورزقان و چاراویماق در رتبه پایین توسعه یافتگی قرار گرفتند. و در این ۶ سال مورد مطالعه، شهرستان تبریز بیشترین (CL_i) را در سال ۱۳۸۶ داشته برای همین علت بیشترین میزان نابرابری بین شهرستان های استان در همین سال با ضریب پراکندگی ۱,۹ مشاهده می شود. ولی در سال ۱۳۸۵ شهرستان تبریز کمترین (CL_i) را داشته، و اختلاف بین درجه توسعه یافتگی شهرستان ها کم بوده و میزان CV آن ۱,۵ بوده که نسبت به ۶ سال مورد مطالعه بهترین وضعیت در این سال مشاهده می شود. و در سال ۱۳۹۰ شهرستان تبریز با (CL_i) ۰,۸۸ در رتبه اول و چاراویماق و خداآفرین با (CL_i) ۰ در رتبه آخر قرار دارند.

دومین همایش ملی افق های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار

معماری عمران، گردشگری و محیط زیست شهری و روستایی

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴



واژگان کلیدی: توسعه یافتگی، مؤلفه های صنعتی، تفاوت های منطقه ای، تکنیک *TOPSIS*، استان آذربایجان شرقی.

۱- مقدمه

توسعه در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی به خاطر نابرابری و فقر در جوامع مختلف، بیشتر مورد توجه قرار گرفت و زمینه ظهور اقتصاددانان توسعه را برای ارایه نظرات و الگوهای گوناگون فراهم کرد (قائدرحمتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲). و توسعه معنی ثابتی نداشته و در دهه های اخیر متحمل تغییراتی شده است (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱: ۱۸). توسعه از مفاهیمی است که در تعریف آن توافق وجود ندارد. با این وجود، معنی آن از زمان پیدایش علم اقتصاد هر روز وسیعتر و عمیقتر شده است. توسعه با زندگی اجتماعی انسان ارتباط دارد و ابعاد آن با زندگی اجتماعی برابر است. آنچه از همه تعریف ها می توان دریافت این است که مفهوم توسعه یک مفهوم مثبت است و به مثابه میوه ای است که با همه ذائقه ها سازگار است. توسعه در لغت به معنای گسترش دادن و مترادف با واژه *Development* است (حکمتی فرید، ۱۳۸۲: ۱۵). به طور کلی عبارت توسعه بر بروز تحول در چگونگی تولید و نیز بر تجدید نظر در تخصیص منابع و نیروی کار به بخش های مختلف تولید، نیز دلالت دارد (خاکپور، ۱۳۸۵: ۱۳۴). رشد و توسعه به عنوان یک مقوله اقتصادی- اجتماعی ابتدا از سوی اقتصاددانان و سپس جامعه شناسان مورد توجه اساسی قرار گرفت. توسعه جریانی چند بعدی است که تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. به عبارت ساده، با توجه به این که هدف اصلی توسعه حذف نابرابری ها است، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (زنگی آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). هر چند از توسعه تعریف واحدی وجود ندارد، اما قریب به اتفاق کارشناسان، آن را فرآیندی چند بعدی می دانند که طی آن، شرایط نامطلوب زندگی به شرایط مطلوب تبدیل می شود. عدم توجه کافی به هر یکی از ابعاد توسعه می تواند موجب دور شدن از اهداف اساسی، افزایش فقر و محرومیت ها، گسترش ناهنجاریهای اجتماعی، اختلاف طبقاتی و غیره شده و در نهایت عدم تعادل و توازن را به دنبال داشته باشد. میتوان گفت بعد اقتصادی توسعه زمینه ساز و زیربنای دیگر ابعاد توسعه بوده و بدون شک مهمترین هدف سیاست گذاران هر کشور و منطقه ای دستیابی به رشد و توسعه پایدار و سطح رفاه و زندگی بهتر می باشد. در این میان بخش صنعت به دلیل نقش و تأثیر بسیار زیاد خود در فرآیند رشد و توسعه مناطق به خصوص مناطق شهری که بخش قابل توجهی از جمعیت با سطوح مختلف درآمدی را در خود جای داده، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. به بیانی دیگر با عنایت به گستره و تنوع فعالیت های صنعتی، توجه به این بخش میتواند ابزار مناسبی را در جهت توسعه متعادل اقتصادی در مناطق شهری فراهم آورده که به تبع آن زمینه های توسعه در سایر ابعاد سیاسی، فرهنگی و سایر موارد آن مهیا گردد (بختیاری و دهقانی زاده، ۱۳۹۲: ۶۰-۶۲). بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که رشد و توسعه بخش صنعت، زمینه رشد و توسعه سایر بخش ها را فراهم می سازد. بدون رشد و توسعه صنعت، عوامل و نهاده های لازم برای توسعه سایر بخش ها فراهم نمی گردد و محصولات و خدمات تولیدی بخش ها نمی تواند حداقل با سهولت لازم به بازار عرضه گردد (سلیمی فر و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۷). در این زمینه یکی از مهم ترین عواملی که دارای تأثیر و توان زیادی در تمرکز جمعیت و فعالیت